

اخلاق زیارت و آداب آن از منظر علم و دین

حمیدرضا نیا شیرازی*

چکیده

در این نوشتار به بررسی اخلاق و آداب زیارت از منظر علمی چون روان‌شناسی و مطالعات تربیتی، و نیز از نگاه آیات و روایات می‌پردازیم. موضوع زیارت در آموزه‌های دینی مسلّم و قطعی است. آنچه در این تحقیق آمده اخلاق و آداب عمومی زیارت (از جمله غسل زیارت، پوشیدن لباس تمیز و آراستگی و خوشبویی، وقار و طمأنینه هنگام زیارت، ذکر تکبیر و تسبیح، اذن دخول، پرهیز از سخنان ناشایست و کارهای بیهوده، رعایت ادب در برابر صاحب قبر، دعا و تلاوت قرآن و عبادت کنار قبر) است؛ هر چند تمام آداب احصا نشده است. منظور از علم مجموعه قضایای حقیقی است که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد. از نگاه علم و عقل نیز نتیجه منابع روایی تأیید شده است و آثاری بر آن مترتب می‌شود که با هدف زیارت کاملاً هماهنگ است.

کلید واژگان: اخلاق زیارت، علم، دین، آثار اجتماعی و اخلاقی.

* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌العالمیه مجتمع آموزش عالی علوم انسانی

hamidrezania@miu.ac.ir

بدون تردید از نگاه دین یاد خدا مایه آرامش دل هاست (رعد، ۲۸). منظور از ذکر و یاد خدا تنها این نیست که انسان نام او را بر زبان آورد و تسبیح و تهلیل و تکبیر گوید، بلکه باید با تمام قلب متوجه او و عظمتش و ناظر بودنش باشد؛ چرا که این توجه موجب حرکت و فعالیت به سوی نیکی می شود. اسلام به منظور تحقق این هدف، که مردم همواره به یاد خدا باشند، برنامه های عبادی فراوانی وضع کرده که از جمله آنها زیارت است. انسان با حضور در اماکن مقدس، از قبیل قبور امامان و امامزادگان و در رأس همه حضور در مکه برای زیارت خانه خدا، به خدا توجه می کند و از این طریق به آرامش روانی می رسد. تأثیرگذاری زیارت بر روح و روان انسان از نگاه دینی انکارناپذیر است. سازوکار این تأثیر را با تحلیل عقلی این گونه می توان تبیین کرد که زیارت ترکیبی از گرایش و شناخت است و خاستگاه آن قلب است و از این طریق شوق و اراده به انسان جهت می دهد و در رفتار او تأثیر می گذارد. موضوع زیارت در آموزه های دینی مطرح شده است. آیات قرآنی نشان می دهد که انسان های صالح را می توان وسیله قرار داد؛ زیرا این عمل، که از آن به توسل یاد می شود، در حقیقت توجه به خداست و از سوی دیگر قرآن «تبیان لکل شیء» است؛ بنابراین هر آنچه برای پرورش و تربیت انسان لازم باشد را بیان کرده است. نمی توان گفت قرآن کتاب هدایت و تربیت است، ولی از برنامه های مؤثر در این زمینه غفلت کرده است. در روایات، خصوصاً روایات شیعه، زیارت جای بحث نیست؛ ولی شمار اندکی از مسلمانان با تمسک به حدیث «شد رحال» مسافرت به قصد زیارت قبور پیامبران و امامان و اولیا را حرام دانسته اند و شبهه هایی در این باره مطرح کرده اند که علمای شیعه و اهل سنت به این شبهات در جای خود پاسخ گفته اند.

تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا دین و علم در موضوع زیارت با هم توافق دارند یا در این زمینه متعارض اند؟ فرضیه ما در این پژوهش این است که علم با دین درباره زیارت دیدگاهی توافقی دارد، نه تعارضی؛ بدین معنا که یافته های علمی آموزه های دینی را تأیید می کند نه رد.

جالب است بدانیم روان‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی درباره زیارت پژوهش‌هایی کرده‌اند و در نهایت دیدگاه‌هایی به دست آورده‌اند که درخور توجه است؛ از جمله مورینیس در مقدمه کتاب مردم‌شناسی زیارت می‌گوید: «زیارت تولد آرزوها، راه حلی از میان راه حل‌های انسان برای حل مشکلات و اعتقادات و عقیده به قدرت ماورایی برای حل و درمان مشکلات حل‌نشده و درمان ناپذیر است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱)».

در نوشتار حاضر، پس از بررسی مفهومی واژگان، به الگوهای روان‌شناسی با تجزیه و تحلیل مبانی علمی زیارت و تأثیرات شناختی، عاطفی و رفتاری آن در رسیدن به آرامش، تقویت امید، کاهش اضطراب و مانند آن اشاره می‌کنیم و پیش از آن به طور گذرا از منظر درون‌دینی به آنها می‌پردازیم. این نکته درخور توجه است که در رفتار مسلمانان حین زیارت ممکن است چیزهایی دیده شود که دین نیز آن را تأیید نکند؛ زیرا در برنامه‌های عبادی دینداران اعمالی نفوذ کرده است که با مبانی و آموزه‌های دینی سازگاری ندارد. هدف پژوهش همان آداب و رفتارهای برآمده از آیات و روایات تأییدشده است، نه آدابی که از سلیق شخصی نشئت گرفته است.

تبیین واژگان کلیدی

زیارت

«زیارت» در لغت از ریشه «زور» به معنای میل به چیزی است (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶). این معنا در قرآن آمده است: ﴿وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ...﴾ (کهف، ۱۷)؛ «خورشید را می‌دیدی که به هنگام طلوع به طرف راست آنها متمایل می‌گردد...».

زیارت از «زار - یزور - زیارة» و «مزارا» به معنای ملاقات کردن و به دیدار کسی رفتن آمده است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۲۱). این معنا نیز در آیات قرآن مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در آیه ۲ سوره تکوین آمده است: ﴿حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾؛ «تا آنجا که به زیارت قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید)».

اگر به شخص باطل و ناحق یا به گفتار ظالمانه زور گفته شده است. ﴿ظُلْمًا وَزُورًا﴾ (فرقان، ۴)، به این دلیل است که کلام از حق عدول کرده و به باطل متمایل شده است. زیارت در اصطلاح با معنای لغوی آن بیگانه نیست؛ بنابراین زیارت در اصطلاح تمایل و توجه به کسی یا چیزی است، خواه آن کس زنده باشد یا مرده و خواه انسان باشد یا مکان. به همین دلیل وقتی کسی در بیمارستان به ملاقات دوستش می رود عرب‌ها می گویند: «زیارة الاخوان». حسین بهروان در مقاله «جامعه‌شناسی زیارت با تأکید بر نیازهای زائران» در مجله مشکات آورده است: زیارت کنشی معطوف به ارزش است و آن دست یافتن به رستگاری و تقرب به خداوند است (بهروان، ۱۳۸۰). طریحی نیز گفته است: زیارت در اصطلاح دینی تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم نسبت به زیارت شونده گرایش جدی پیدا کند و هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (طریحی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۵). دهخدا رفتن به مزار مشاهیر متبرکه و بقعه‌ها و خواندن دعاها و زیارتنامه برای تشریف باطنی و حضور قلبی زائر را در تعریف آورده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه زور).

آداب

«آداب» جمع «ادب» است و در لغت‌نامه دهخدا/ به معنای هنر و دانش آمده است (دهخدا، ذیل واژه «ادب») ناگفته نماند این واژه در ابواب مختلف معنای خاص خود را دارد. در المصالح المنیر (فیومی، ج ۲، ص ۹) و فرهنگ عمید (عمید، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۲) نیز به معنای شگفت، عجب، دانش، معرفت و روش پسندیده آمده است.

واژه ادب در اصطلاح در گذر زمان به دو معنای اصلی به کار رفته است: ۱. ادبیات؛ ۲. ادب دینی (اخلاقیات) (بجنوردی، ۱۳۷۵، ج ۷، ذیل واژه «اخلاقیات»).

آداب هر زمانی به فرهنگ آن زمان بستگی دارد و در درون فرهنگ تکامل یا حتی تعادل می یابد.

آداب زیارت مجموعه‌ای از رفتار و گفتارهای شایسته است که در منابع روایی و حدیثی در باب زیارت بیان شده است. این آداب به دو دسته مشترک و اختصاصی هر زیارت تقسیم می شود.

علم

«علم» در لغت مصدر، و به معنای درک حقیقت چیزی، دریافت، شناخت و دانش است (معلوف، ۱۹۹۸م، ذیل واژه «علم») واژه علم از جمله واژه‌هایی است که کاربردهای گوناگونی دارد. اگرچه مفهوم لغوی آن همان است که ذکر شد، در اصطلاح تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. اعتقاد یقینی مطابق واقع در برابر جهل بسیط و مرکب؛ ۲. مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آنها در نظر گرفته شده باشد؛ مانند علم تربیت و علم روان‌شناسی؛ ۳. مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد و این همان اصطلاحی است که پوزیتیویست‌ها به کار می‌برند و بر اساس آن علوم و معارف غیرتجربی را علم نمی‌شمارند.

این اصطلاح مبتنی بر دیدگاه خاصی است که امروزه در جهان رواج یافته و بر طبق آن علم در مقابل فلسفه قرار گرفته است. در مقاله حاضر، مقصود، اصطلاح سوم یعنی قضایای قابل اثبات از راه حس و تجربه است.

دین

«دین» در معاجم لغات به معانی متعددی از جمله، پاداش، جزا، عادت و روش آمده است. در قرآن نیز آیاتی وجود دارد که دین در آنها به معنای جزا، شریعت و قانون و طاعت و بندگی به کار رفته است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه «وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ» می‌نویسد: «ای لایطیعون» یعنی از دین حق پیروی نمی‌کنند.

باید توجه کرد که واژه دین در هر آیه معنای خاصی دارد. دین در آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ...» (صف، ۹) به معنای کیش و شریعت است و در آیه «فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر، ۲) به معنای توحید و یگانگی است.

واژه دین در اصطلاح به دو معنا آمده است: مکتب و دینداری؛ و بر مبنای این دو معنا تعاریفی ارائه شده است که آنها را در ذیل می‌آوریم:

۱. دین مجموعه‌ای از برنامه‌های علمی هماهنگ با نوع جهان بینی است که انسان برای رسیدن به سعادت خود آن را وضع می‌کند و یا از دیگران می‌پذیرد. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۲۱).

۲. دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها است که ممکن است حق یا باطل باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۹۳).

در این دو تعریف، دین به معنای مکتب است.

۳. دین در اصطلاح به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورهای علمی متناسب با این عقاید است (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۸).

تعریف سوم ناظر به معنای دینداری است، نه مکتب.

با توجه به تعاریف فوق درمی‌یابیم که هر دین از دو بخش تشکیل می‌شود: اول، اصول دین که همان عقاید پایه و اساسی است؛ دوم، فروع دین که شامل دستورالعمل‌های متأثر از اصول است.

در پژوهش حاضر منظور از دین، دین توحیدی است. ادیان توحیدی، که از آنها به ادیان آسمانی نیز تعبیر می‌شود، سه اصل مشترک دارند: ۱. اعتقاد به خدای یگانه؛ ۲. اعتقاد به زندگی ابدی؛ ۳. اعتقاد به بعثت پیامبران از جانب خدای متعال برای هدایت بشر. این اصول مشترک سه‌گانه در واقع پاسخ‌هایی به اساسی‌ترین سؤال‌های انسان است: مبدأ هستی کیست؟ پایان زندگی چیست؟ از چه راهی می‌توان به بهترین برنامه سعادت دسترسی پیدا کرد؟ با توجه به آنچه گذشت و تعریف برگزیده از دین با توجه به عناصری مشترک بین همه ادیان (امر مقدس بودن دین، نجات و رستگاری دین و جهان بینی و ایدئولوژی دین) می‌توان گفت آنچه در این نوشتار از دین اراده شده «مجموعه آموزه‌هایی است که از منبع وحی الهی جهت هدایت انسان‌ها بر پیامبران نازل شده است و به صورت گزاره‌های توصیفی و ارزشی در منابع دینی ثبت شده است» (رضانیا شیرازی، ۱۳۹۹).

پیشینه پژوهش

مسئله زیارت و دیدار با بزرگان و توجه به اماکن مقدس از گذشته‌های دور مرسوم بوده است. طبری در تاریخ طبری می‌نویسد: آدم ابوالبشر برای دیدار و زیارت قبر هابیل رفت و بر او گریست و مرثیه خواند (طبری، ۱۳۷۵). درباره مرقد حضرت آدم و نوح نقل قول‌هایی آورده‌اند؛ اما با وجود اختلاف در نقل اقوال، در اینکه مردم به زیارت آنها می‌رفتند و به آنها تبرک می‌جستند وحدت نظر وجود دارد (صمدانیان و عادل‌فر، ۱۳۹۴).

زیارت در آموزه‌های دینی امری مسلم و قطعی است و کتاب‌ها و مقالات فراوانی در این زمینه به نگارش درآمده است. مفسران ذیل آیات متعدد قرآن به جواز زیارت استدلال کرده‌اند و گاهی روایات درباره آداب زیارت صحیح را آورده‌اند و به سیره گذشتگان در این زمینه اشاره کرده‌اند؛ چنان‌که در تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۱ سوره کهف آمده است:

اصول بناهای یادبود، که خاطره افراد برجسته و باشخصیت را زنده می‌دارد، همیشه در میان مردم جهان بوده است و یک نوع قدردانی از گذشتگان و تشویق برای آیندگان در آن کار نهفته است. اسلام نه تنها از این کار نهی نکرده، بلکه آن را مجاز شمرده است. وجود این‌گونه بناها یک سند تاریخی بر وجود این شخصیت‌هاست. شخصیت‌هایی که قبر آنها متروک مانده تاریخ آنها نیز مورد تردید و استفهام قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴).

نویسنده در همین تفسیر ذیل آیه ۳۵ سوره مائده درباره توسل (که زیارت یکی از مصادیق بارز آن است) بحث مفصلی کرده است که خواننده محترم را به جهت اختصار به آن ارجاع می‌دهیم.

محققان پژوهش‌های تجربی نیز در این زمینه انجام داده‌اند و به نتایج مطلوبی دست یافته‌اند؛ از جمله:

- شاپورزد موی اوردکلو مقاله‌ای تحت عنوان «پدیدارشناسی تجربی زیارت» در سال ۱۳۹۴ نوشته است. او، که دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه

تبریز است، مطالعاتش را بر نامه‌های بسیاری (بالغ بر پانصد نامه) آغاز، و محتوای آنها را تحلیل کرده و در نهایت به این نتیجه رسیده که زیارت کنشی چندوجهی است (عاطفی، سنتی، ارزشی و عقلانی) که وابسته به انگیزه زائر است.

- علی یوسفی و غلامرضا صدیق‌اورعی و همکاران مقاله «پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (علیه السلام)» را در سال ۱۳۹۱ نوشته‌اند. در این تحقیق شش زائر در مشهد به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. طبق نتیجه به دست آمده اولاً مناسک زیارت، عقیده به تقدس، عقیده به شفاعت و دلدادگی از موضوعات مرکزی معنای زیارت است؛ ثانیاً سه مقوله آداب‌مندی زیارت، عقیده به خارق‌العادگی و جذبه در همه تجارب زیارتی مشارکت‌کنندگان وجود دارد.

مبانی نظری

پیش از ورود به بحث آداب زیارت در نگاه علم و دین باید دیدگاه‌ها درباره رابطه علم و دین را تبیین کرد تا محل نزاع و بحث روشن شود. اگر ما دیدگاه تباین را در روابط علم و دین پذیرفتیم، نتیجه‌اش با دیدگاه تساوی و ارتباط کلی متفاوت خواهد شد. درباره رابطه علم و دین چند دیدگاه وجود دارد:

۱. تباین کلی: دین را در قلمرو علم راهی نیست و علم هم در امر دین (به دلیل تفاوت مبانی، زبان، روش و هدف) حق دخالت ندارد. دین از آنجا که نوعی احساس تعلق و وابستگی است، هیچ‌گونه حیثیت و شأن معرفتی و شناختاری برای آن فرض نشده است؛ بنابراین هیچ وجه مشترکی با علم ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰). بر اساس این دیدگاه، بحث آداب زیارت از نگاه علم و دین مفهومی نخواهد داشت؛ زیرا علم و دین قلمرو مشترکی ندارند.

۲. عام و خاص من وجه: علم و دین هم قلمرو مشترک و هم قلمرو اختصاصی دارند. ارتباط عموم و خصوص من وجه در محل اجتماع و قلمرو مشترک به دو نحو متصور است: الف)

تعامل و سازگاری؛ ب) عدم تعامل و ناسازگاری.

۳. عام و خاص مطلق: رابطه عموم و خصوص مطلق به نوعی از رابطه اشاره می‌کند که همه مصادیق یکی در حیطه قلمرو دیگری قرار می‌گیرد؛ ولی عکس آن صادق نیست؛ مانند مفهوم انسان و جاندار؛ چراکه همه انسان‌ها جاندارند، ولی برخی جانداران انسان نیستند (همان، ص ۱۱۳). از این نوع ارتباط با عنوان رابطه تداخل نیز نام می‌برند. این تداخل را هم به دو نحو می‌توان تصور کرد: الف) دین عام است و علم تحت قلمرو دین قرار می‌گیرد؛ ب) علم عام است و دین تحت قلمرو علم قرار می‌گیرد.

دین به معنای «اعتقاد به امر قدسی» با علم به معنای «اعتقاد جزئی» چنین رابطه دارند؛ زیرا هر اعتقاد به امر قدسی اعتقادی جزئی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ۱۳۹۲).

۴. ارتباط کلی: تمام گزاره‌های علم و دین با هم ارتباط دارند. البته این ارتباط می‌تواند تعاملی و بدون ضدیت با یکدیگر یا تعارضی باشد.

۵. تساوی و تطابق: هر گزاره علمی دینی است و هر گزاره دینی علمی است و نمی‌توان گزاره‌ای را دینی محض یا علمی محض نامید. در دنیای مسیحیت کسانی مانند ژیلسون به دخول علم در قلمرو دین به نحو تام اعتقاد داشتند و برخی اندیشمندان مسلمان، چه از متقدمان (مانند محمد غزالی و فیض کاشانی) و چه از متأخران (نظیر آیت‌الله جوادی آملی و دکتر گلشنی) نیز به این مسئله معتقدند (مسترحمی، ۱۳۹۸، ص ۱۴).

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌گویند:

اولاً دین در مقام ثبوت، اراده و علم الهی است، اما در مقام اثبات عقل و نقل کاشف از اراده الهی است. تمام اقسام علوم سه‌گانه (شهودی، استدلالی و تجربی) کاشف از اراده الهی است و تمام علوم تجربی - که از محسوسات می‌باشند - به ضمیمه یک دلیل عقلی قانون کلی علمی را نتیجه می‌دهند و چون عقل هم از منابع دینی و در قلمرو آن است، بنابراین تمام علوم تجربی به نوعی در زیر سیطره دین قرار می‌گیرند (همان).

بنابراین انتخاب هر کدام از دیدگاه‌های فوق بر موضوع آداب زیارت از نگاه علم و دین تأثیرگذار خواهد بود.

آداب زیارت در آموزه‌های دینی

گفتیم که آداب زیارت بر دو نوع است: آداب مشترک و آداب اختصاصی. آداب مشترک رفتارهایی است که در همه زیارات مشاهد مشرفه رعایت می‌شود. آداب اختصاصی مربوط به زیارتی خاص است که درباره دیگر زیارات‌ها سفارش نشده است. ما در این نوشتار به آداب مشترک می‌پردازیم. پیداست که رعایت آداب در تأثیرگذاری بیشتر و برآورده شدن هدف و حاجت از زیارت کمک بسزایی خواهد کرد و همچنین دسترسی به ثواب بیشتری را ممکن خواهد ساخت؛ بنابراین باید آداب را شناخت و رعایت کرد:

- غسل زیارت

برای حضور در مرقد محبوب باید هم از حیث جسمی و هم از جهت روح و روان و اندیشه پاک و پاکیزه بود. غسل افزون بر جسم روح را نیز پاک می‌کند و این در صورتی است که قصد قربت در آن باشد. چنان‌که امام صادق علیه السلام به صفوان جمال فرمود: «وقتی خواستی به زیارت بروی از آب فرات غسل کن و هنگام غسل بگو: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِزْزًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةِ اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِي صَدْرِي وَ سَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي** (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۹۰). در این دعا هم طلب پاکی، نورانیت و شفا، و هم دعا برای طهارت قلب (روح) و شرح صدر و آسانی کار آمده است.»

موسی بن عبدالله حنفی از امام هادی علیه السلام زیارت کامل و جامع هر «یک از ائمه را درخواست کرد. حضرت زیارت جامعه را به او آموخت و قبل از آموختن فرمود: «هر گاه به آستان مرقد آن حضرت رسیدی بایست؛ در حالی که با غسل هستی، شهادتین را بگو و اذن دخول بخوان...» (همان).

از امام صادق علیه السلام درباره آیه **«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»** سؤال کردند. حضرت

فرمودند: «الْغُسْلُ عِنْدَ لِقَاءِ كُلِّ إِمَامٍ». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۹۰) ایشان غسل هنگام دیدار هر امام را مصداق آراستگی در وقت عبادت یا حضور در عبادتگاه به شمار آورده‌اند. بنابراین پاکی ظاهر و باطن یکی از آداب زیارت است.

- پوشیدن لباس تمیز و آراستگی و خوشبویی

پوشیدن لباس نو و تمیز و استعمال بوی خوش هنگام زیارت یکی از آداب زیارت است. نوع لباس و وضع ظاهری از یک طرف در پدید آمدن حال مناسب روحی و نشاط معنوی مؤثر است و از طرف دیگری از مصادیق حرمت‌گذاری به کسی است که به دیدارش می‌رویم. درباره زیارت امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و نیز در زیارت قبر عسکریین علیهم السلام توصیه به غسل شده است: ... فاغتسل و تنظف.... (فیض کاشانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۹۱).

- وقار و طمأنینه

وقار به این معناست که انسان آرام قدم بردارد و با قدم‌های کوچک وارد حرم شود. این حالت ظاهری درون آدم را متأثر می‌سازد. شاید پیاده‌روی به همین جهت باشد که در آن وقار و طمأنینه بیشتر رعایت می‌شود.

صفوان جمال نقل می‌کند: با امام صادق علیه السلام هم سفر بودم. به کوفه که رسیدیم، امام دستور داد تا مرکب را بخوابانند و فرمود: «اینجا قبر جدم امیر مؤمنان است». سپس حضرت غسل کرد، لباس دیگری پوشید، به طرف تپه‌ای که قبر علی علیه السلام آنجا بود راه افتاد و به صفوان فرمود: «تو هم مثل من کن؛ گام‌هایت را کوچک بردار، نگاهت را به طرف پایین گیر، متواضعانه راه برو...». سپس خودش با صفوان به طرف قبر حرکت کردند؛ در حالی که سکینه و وقار بر آن دو حاکم بود و تسبیح و تقدیس و تهلیل می‌گفتند تا به قبر شریف رسیدند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۰۵)

- ذکر تکبیر و تسبیح

یکی از آداب زیارت معصومان علیهم السلام ذکر تکبیر و تسبیح و حمد است. شاید سرّ آن این

باشد که زائر در زیارت مرقد‌های مطهر دچار غلو نشود؛ یعنی به یاد داشته باشد که کلید همه امور در دست خدای متعال است و معصومان علیهم‌السلام وسیله رسیدن به اهداف زائرند. در زیارت امام حسین علیه‌السلام آمده است که زائر در بدو ورود به آب فرات غسل کند، صد مرتبه الله اکبر، صد مرتبه لا اله الا الله، و صد مرتبه صلوات بگوید و هنگام زیارت وقتی مقابل قبر قرار می‌گیرد بگوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ**. در این صورت ثواب بسیاری برای او نوشته می‌شود (مفاتیح الجنان، ادب پنجم از آداب زیارت).

به ذکر گفتن در همه حالات سفارش، ولی هنگام زیارت تأکید فراوانی شده است؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾** (احزاب، ۴۱-۴۲)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید». این بدان دلیل است که عوامل غفلت در زندگی مادی فراوان است و تیرهای وسوسه شیطان از هر سو به طرف انسان پرتاب می‌شود؛ بنابراین برای مبارزه با آن برنامه ذکر کثیر ارائه شده است.

- اذن دخول

ادب اقتضا می‌کند وقتی انسان وارد حریم دیگری می‌شود اجازه بگیرد و به این صورت به صاحب حریم احترام بگذارد. در روایتی آمده است که هنگام زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و هر یک از معصومان این‌گونه اذن دخول بخوان: **«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ...»**؛ «خداوند، بر درگاه یکی از خانه‌های پیامبر و دودمان پیامبر ایستاده‌ام. خدایا، مردم را از اینکه بی‌اجازه وارد خانه پیامبر شوند منع کردی. من به حرم پیامبرت در حال غیبتش مثل حال حضور و حیاتش عقیده‌مندم و می‌دانم که فرستادگان تو زنده، و نزد تو روزی می‌خورند».

اذن دخول بالا مستند به آیه قرآن است؛ چنان‌که در متن هم مشاهده می‌شود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در خانه‌های پیامبر داخل نشوید. وقتی غذا خوردید پراکنده شوید...» (احزاب، ۵۳).

- پرهیز از سخنان ناشایست و کارهای بیهوده

محدث قمی در *مفاتیح الجنان* (باب بیست و یکم) می‌گوید: ترک نمودن سخنان ناشایست و کلمات لغو و اشتغال به صحبت‌های دنیویه، که همیشه در هر جامذموم است، خصوصاً در بقاع متبرکه که هدف از زیارت بهره‌برداری معنوی از مکان‌های مقدس است و این هدف با حضور قلب و خشوع حاصل می‌شود، مشغول بودن به کارها و حرف‌های بیهوده مانع بهره معنوی می‌گردد. سخنان لغو، خصوصاً با صدای بلند، علاوه بر اینکه خود زائر را از فیض محروم می‌سازد، برای دیگران نیز مزاحمت خواهد بود.

برخی مستند ادب فوق را آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾** (حجرات: ۲) می‌دانند؛ بنابراین آرامش و سکوت در اماکن زیارتی مطلوب است و سروصدای بلند مخل آرامش است.

- دعا و تلاوت قرآن و عبادت کنار قبر

خواندن نماز و دعا در حرم‌های مطهر پس از زیارتنامه خوب است. امام هادی علیه السلام در این باره فرمود:

مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيُزِرْ قَبْرَ جَدِّي الرَّضَا عليه السلام بِطُوسٍ، وَهُوَ عَلَى غَسَلٍ وَ لِيُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رُكْعَتَيْنِ وَ لِيَسْأَلَ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ مَا لَمْ يَسْأَلَ مَأْتِماً أَوْ قَطِيعَةً رَحِمٍ... (مجلسی، ۱۳۳۹ق، ج ۱۰۲، ص ۳۱)

هرکس به درگاه خدا حاجتی دارد قبر جدم حضرت رضا علیه السلام را در طوس زیارت کند؛ در حالی که غسل کرده باشد، بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و در قنوت نمازش حاجتش را از خدا بخواهد. خداوند اجابت می‌کند تا وقتی که خواسته اش گناه یا قطع رحم یا نفرین به خویشاوندان نباشد.

سیره علما از گذشته تاکنون بر این جاری بوده که در حرم‌ها نماز می‌خواندند و در قبه آن حضرات دعایی می‌کردند و حاجت می‌خواستند. همچنین تلاوت قرآن در این اماکن هم

برای خود زائر مطلوب است و هم هدیه به صاحب مرقد است.

- رعایت ادب در برابر صاحب قبر

چگونگی ایستادن در مقابل قبر بیانگر ادب زائر است. شهید ثانی می‌گوید:

زائر در حال زیارت رو به مزار و پشت به قبله بایستد، با حالت دعا تضرع کند و سمت چپ صورت را بر قبر بگذارد، دعا کند و حاجت بطلبد و به صاحب قبر توسل جوید تا خدا حاجتش را برآورده سازد و در دعا اصرار و مبالغه نماید؛ آن‌گاه به طرف بالای سر برود و رو به قبله دعا بخواند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۳۴-۱۳۶).

در حالات حضرت رضای علیه السلام آمده است که وقتی می‌خواست با قبر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وداع کند و برای اعمال عمره به مکه برود کنار قبر پیامبر می‌آمد، بالای سر می‌ایستاد و مشغول نماز می‌شد. سپس شانه چپ را به قبر می‌چسباند و نزدیکی ستون‌ها چند رکعت نماز می‌خواند (همان، ص ۱۴۹). علامه مجلسی می‌افزاید: «گرچه پشت به پیامبر کردن هنگام دعا به ظاهر نوعی خلاف ادب است، وقتی توجه به خدا باشد و قصد زائر پشتگرمی به پیامبر صلی الله علیه و آله باشد اشکالی ندارد». (همان، ص ۱۵۳).

آداب زیارت در نگاه علم

برخی آداب مطرح شده در روایات را علم هم دارای اثر مثبت می‌داند و می‌پذیرد که این رفتار ویژه فواید و آثاری دارد؛ از جمله اینکه پاکی با غسل و وضو حاصل می‌شود؛ خصوصاً اگر تکرار شود.

تجربه نشان داده و از نظر علمی نیز به اثبات رسیده است که وضو باعث طهارت و نورانیت باطن انسان می‌شود و حالت معنوی، که سبب نشاط و شادی روح است، در انسان ایجاد می‌کند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۸۸).

در پژوهشی که اخیراً انجام شده آمده است: «دست و صورت غالباً در معرض مزاولت و مباشرت با کثافات و میکروب‌های مختلف می‌باشند. در هر روز چند مرتبه واجب شد

به واسطه وضو شسته شود؛ به طوری که آب به بشره برسد و رفع چربی و کثافات و موانع وصول آب را بکند تا از ضرر میکروب‌های آن مصون بماند و نظارت اجباری حاصل شود و باقی اعضا چون در زیر لباس است، کمتر آلوده به میکروب‌های محیطی می‌شود». نویسنده سپس ادامه می‌دهد: «اخیراً به ثبوت رسیده که ممکن است میکروب از همان سامات جلدی وارد بدن شود؛ چون دست و صورت بیشتر در معرض کثافات واقع می‌شوند و پا و سر کمتر؛ لذا در پا و سر به مسح اکتفا شده و در دست و صورت به شستن». وی در آخر می‌افزاید: «وضوی اسلامی عیناً خاصیت ماساژ (ماساژ سوئدی) را به نحو اتم حاوی می‌باشد؛ زیرا وقتی روی سطح اعضای وضو آب سرد رسید و محل آن سرد شد قهراً جریان خون به آن سمت شدیدتر شده و برای حفظ درجه ۳۷ از حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت ازدست‌رفته اعضای وضو دستگاه گردش خون به فعالیت سریع مشغول، و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه گردش خون، که از مهم‌ترین جهازات بدن است به وجود می‌آید (رضایی، ۱۳۸۰، ج ۱ و ۲، ص ۳۴۹).

وقار و طمأنینه یکی از آداب زیارت است. نقطه مقابل آن عجله و شتاب است که درباره پیامدهای آن پژوهش‌هایی تجربی انجام شده است. پرهیز از عجله و رعایت وقار در سفارش‌های روان‌شناسان نیز دیده می‌شود؛ برای مثال هنگامی که انسان در کار و برنامه‌ای شتاب می‌کند به هدف نمی‌رسد و نیروهایش هدر می‌رود در نتیجه شکست چه بسا ناامیدی او را فرامی‌گیرد. فردی را تصور کنید که وقت گذاشته، راه دور و درازی را طی کرده و هزینه مالی فراوانی را متحمل شده است. بدیهی است وقتی به زیارت برود و بر اثر شتاب تخلیه نشود افسوس فراوان خواهد خورد.

پیامدهای عجله در سراسر زندگی انسان‌ها، خصوصاً در امور خطیر و سرنوشت‌ساز، مثل عجله در انتخاب همسر و ازدواج مشهود است؛ زیرا فرد عجله نمی‌تواند در اطراف موضوع مورد نظر درست بیندیشد و تصمیم مناسب بگیرد. اعمال زیارت نیز در سایه وقار و تأنی به نحو کامل و احسن انجام می‌شود و در این صورت است که انسان به آرامش روحی و روانی می‌رسد.

داستان حضرت موسی و خضر در قرآن گویای این حقیقت است موسی عجله می‌کند و خضر او را به صبر سفارش می‌کند. این کار چندین بار تکرار می‌شود و در نهایت موسی به رمزوراز کارها و اقدامات خضر پی می‌برد. در ابتدای داستان، خضر به او می‌گوید اگر از علم بهره‌مند شوی، باید صبر و حوصله داشته باشی و شتاب نکنی.

ذکر تکبیر و تسبیح - که در آن خدا را با عظمت و جلال یاد می‌کنیم - تأثیر فراوانی در روح و روان زائر می‌گذارد. یکی از روان‌شناسان می‌گوید:

ذکرهای بسیاری برای کاهش اضطراب و افسردگی وجود دارد؛ اما دو ذکر اختصاصی برای این دو امر وجود دارد: ذکر اختصاصی کاهش اضطراب ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ است و ذکر اختصاصی کاهش افسردگی ذکر یونسیه، یعنی لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ است. او می‌افزاید کسانی که می‌گویند اضطراب و افسردگی با اذکار فوق درمان نمی‌شود آنها باور ندارند. او در ادامه اظهار می‌دارد بزرگان روان‌شناس سال‌هاست فعالیت گسترده‌ای در این حیطه انجام داده‌اند؛ اما چیزی که من به آن اضافه کردم تئوری روان‌شناسی با رویکرد امنیت‌یافتی است (مرکز آموزش درمانی آیت‌الله موسوی، جام نیوز، کدخبر: ۴۳۰۷۵۱).

خداوند نیز در آیه ۳۶ سوره زخرف می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾؛ «هر کس از یاد خدا رویگردان شود شیطانی را به سراغ او می‌فرستیم و همواره قرین او باشد».

اضطراب و افسردگی استرس تولید می‌کند و حالتی از تشویش را پدید می‌آورد که توانایی آدم نمی‌تواند آن را پشتیبانی کند. هوش یا توانایی به پنج گروه تقسیم می‌شود: آی کیو (IQ) را نمی‌توان تغییر داد؛ اما چهار هوش دیگر یعنی هوش بدنی، هوش هیجانی، هوش معنوی و هوش اخلاقی را می‌توان تغییر داد. هر اندازه این چهار هوش را تقویت کنیم، در حل مسئله توانمندتر خواهیم بود. گفتنی است ذکر، تسبیح و تهلیل هوش معنوی را بالا می‌برد (همان). همان‌طور که گفتیم، اذن دخول یکی از آداب زیارت است. اجازه گرفتن از صاحبخانه

اختصاص به پیامبر ندارد و در هیچ جا نباید بدون اجازه وارد خانه کسی شد؛ چنان‌که در داستان پیامبر می‌خوانیم که قبل از ورود به خانه دخترش، فاطمه زهرا ع، بیرون در می‌ایستاد و اجازه می‌گرفت. یک روز جابر بن عبدالله با پیامبر ص بود و حضرت پس از آنکه برای خود اجازه گرفت برای جابر نیز اجازه گرفت (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴).

اذن ورود به خانه دیگران اصلی عقلانی است. برابر اصل بیست و دوم قانون اساسی نیز مسکن اشخاص از تعرض مصون است و حتی آنجا که برای کشف جرم یا دستگیری مجرم اجازه ورود به حریم خصوصی اشخاص داده می‌شود ورود باید بر مبنای قانون و به حکم مقامات قضایی باشد؛ یعنی باید با اذن دخول باشد و هر کس بدون اجازه وارد شود مجازات خواهد شد.

ما معتقدیم تفاوتی بین حیات و ممات معصومان ع نیست؛ زیرا حقیقت وجود آنان در عالم برزخ شاهد و ناظر است. قرآن تصریح می‌کند که نباید شهدا را مرده محسوب کرد. وقتی مجاهدان زنده باشند چگونه می‌توان مرگ پیامبر را باور کرد؟ وقتی آن حضرت در عالم برزخ شاهد و ناظر است دیگر تفاوتی بین مرده بودن و زنده بودن ایشان نیست. ساده‌ترین دلیل عقلی در این زمینه تجرد نفس ناطقه است که فعالیت و تأثیرگذاری ارواح و وجودهای شریف معصومان در گستره‌ای فراتر از حیات مادی به اثبات می‌رسد. بر همین اساس در زیارتنامه‌ها می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ أَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَقُ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۴۵)؛ «شهادت می‌دهم که مرا می‌بینی و کلام مرا می‌شنوی و زنده‌ای و نزد پروردگارت روزی داده می‌شوی».

بنابراین اذن دخول یکی از آداب زیارت است که با علم و عقل ناسازگاری ندارد و از آداب معاشرتی است که هر زنده‌ای در برخورد با فرد محترم دیگر رعایت می‌کند.

نتیجه‌گیری

یکی از نیازهای اساسی انسان دعا و نیایش است؛ اما دین تبیین کرده است که انسان از خدا چه بخواهد و چگونه بخواهد و به عبارت دیگر آداب دعا کردن چیست؛ بنابراین آداب

زیارت در پژوهش حاضر مجموعه رفتارها و گفتارهایی شایسته است که در باب زیارت در منابع روایی و حدیثی بیان شده است که خود بر دو قسم است: عمومی و اختصاصی. آنچه در تحقیق گذشت اخلاق و آداب عمومی زیارت بود، هرچند تمام آداب احصا نشد. منظور از علم در مقاله حاضر مجموعه قضایای حقیقی است که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد. آدابی که بررسی کردیم بدین قرار است: غسل زیارت، پوشیدن لباس تمیز و آراستگی و خوشبویی، وقار و طمأنینه هنگام زیارت، ذکر تکبیر و تسبیح، اذن دخول، پرهیز از سخنان ناشایست و کارهای بیهوده، دعا و تلاوت قرآن و عبادت کنار قبر، رعایت ادب در برابر صاحب قبر. به جهت اختصار به موارد فوق بسنده کردیم اگرچه آداب دیگری نیز در روایات و احادیث مشاهده می‌شود. آداب مذکور را ابتدا در روایات، و سپس از نگاه علم و عقل بررسی کردیم. نتیجه این منابع روایی از نگاه علم روز هم تأیید شده است و آثاری بر آن مرتب می‌شود که با هدف زیارت کاملاً هماهنگ است.

منابع

* قرآن کریم: ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱. ابن فارس، احمد (۱۲۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، دارالفکر.
۲. بجنوردی، محمدکاظم (۱۳۷۵ش)، مجموعه ۲۲ جلدی دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، آل البيت.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲) شریعت در آئینه معرفت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، لغت نامه دهخدا، بنیاد دهخدا.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش)، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم.
۷. رضانیاشیرازی، حمید (۱۳۹۹ش)، «باز خوانش فرضیه ثبوت (فیکسیسم) با فرضیه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) و ارتباط آن با رویکرد قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، پاییز.
۸. رضانیاشیرازی، حمید (۱۳۹۴ش)، «واکاوی مناسبات علم و دین در نگاه هانس کونگ»، فصلنامه پژوهش های اعتقادی - کلامی، بهار.
۹. رضایی، محمدعلی (ش ۱۳۸۰)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱ و ۲، انتشارت کتاب مبین.

۱۰. صمدانیان، محسن و عادل فر، نازیلا (۱۳۹۴ش)، دوره ۶، ش ۲ ص ۱۱۹-۱۴۷.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۰)، شیعه در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، نشر مرتضوی.
۱۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۵ش)، محجة البیضاء، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. قریشی، علی اکبر (۱۳۶۴ش)، قاموس قرآن، ج ۴، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۵ش)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. مجله فرهنگ کوثر، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۷۱، آداب زیارت.
۱۷. مرکز آموزش درمانی آیت الله موسوی، جام نیوز، کد خبر: ۴۳۰۷۵۱.
۱۸. مسترحمی، سید عیسی، (۱۳۹۸ش)، تاریخ تحلیلی تفسیر علمی قرآن کریم.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲ش)، رابطه علم و دین، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷ش)، آموزش عقاید، قم، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۱. معلوف، لویس (۱۹۹۸م)، المنجد اللغة و الأعلام، بیروت، المكتبة الشریقه، ساحة النجمه.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، ج ۴، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت.
۲۴. یوسفی، علی، صدیقی اورعی، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۱ش)، مطالعات اجتماعی، پاییز، دوره ۶، ش ۳-۴.

